



# شرح و نقدی بر ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی

قسمت اول  
سید مهدی مجتبی

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحکیم پایه‌های آن، یکی از اهداف مهمی که در رأس برنامه‌های نظام اسلامی قرار گرفت، اصلاح قوانین و مقررات گذشته و تطبیق این قوانین با شرع مقدس اسلام و فقه غنی امامیه بود. از جمله مهمترین قوانین و مقرراتی که مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت و دستخوش تغییرات عمده‌ای گردید، قوانین و مقررات کیفری بود که در آن تجدید نظر گسترده‌ای به عمل آمد.

قوانین کیفری ما در گذشته، با الهام از حقوق عرفی بخصوص حقوق فرانسه که مأخذ اصلی اقتباس قوانین و مقررات ما بود، جرایم را مطابق ماده (۷) قانون مجازات عمومی (مصوب سال ۵۲)، به حسب شدت، به سه دسته تقسیم می‌نمود:

- ۱- جنایت
- ۲- جنحه
- ۳- خلاف

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، قانون مجازات عمومی همچنان به قوت و اعتبار خود باقی ماند؛ اما، در سال ۱۳۶۱، این قانون دچار تغییر و تحول گردید و قانونی تحت عنوان «قانون راجع به مجازات اسلامی» به تصویب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید که این قانون مجازاتها را تحت عناوین پنج‌گانه: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و اقدامات تأمینی و تربیتی محصور نمود.

قانون سال ۱۳۶۱ پس از تصویب به مورد اجرا گذاشته شد؛ ولی، در عمل و اجرا موفقیت چندانی را تحصیل نکرد؛ چرا که، ابهامات و اشکالات نگارشی فراوانی در عمل و اجرا گریبانگر قضات محاکم و حقوقدانان گردید که به هیچ وجه قابل اغماض نمی‌نمود و همین امر نهایتاً سبب گردید تا زمره‌هایی مبنی بر اصلاح این قانون شکل گیرد و آخرالامر نیز پس از تحقیقات و بررسیهای فراوان، در مورد اصلاح این قانون، قانون

مجازات اسلامی بـه تاریخ ۱۳۷۰/۵/۸، به تصویب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید و با توجه به ایراد شورای نگهبان، مسئله اختلافی مابین مجلس و شورای نگهبان، در جلسه ۱۳۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح گردید که در نتیجه، قانون مزبور با اصلاحاتی به تصویب رسید و برای مدت پنج سال به صورت آزمایشی به مورد اجرا گذاشته شد.

پس از سپری شدن مدت اجرای آزمایشی این قانون، قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات دوباره تحت تحقیق و بررسی قرار گرفت تا سایر قسمتهای این قانون، به قوت خود باقی ماند؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲، قسمت تعزیرات قانون مجازات اسلامی با اصلاحاتی در مواد و متن که بیشتر می‌توان آن را احیای دوباره موجود در قانون مجازات عمومی (مصوب سال ۵۲) سابق دانست، در ادامه ماده (۴۷۹) قانون

ماده مذکور را می‌توان ترجمه‌ای از قسمت اخیر ماده (۳۲۴) قانون جزای فرانسه دانست. (قانون مذکور، وفق قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ م.، نسخ گردیده است). این ماده قانونی نیز در این رابطه چنین مقرر می‌داشت: «... در صورتی که مردی همسر خود را در خانه مشترک زوجیت در حال زنا مشاهده کند و مرتکب قتل همسر خود و مرد اجنبی شود، از معافیت قانونی برخوردار خواهد بود».

همچنانکه محرز است، قانونگذار سابق ما در جهت حمایت از مجرمینی که به دلیل ارتکاب جرایم ناموسی از جانب همسرانشان مرتکب قتل گردیده بودند، با اقتباس از قانون جزای فرانسه (قسمت اخیر ماده ۳۲۴)، مبادرت به تصویب این ماده قانونی کرده بود که عمر آن از نه سال تجاوز نکرد و در سال ۱۳۶۱ با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی از دایره قوانین کیفری ما حذف گردید و حتی تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ نیز باعث احیای مجدد آن نگردید، ولی در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون تعزیرات جدید، ماده (۶۳۰) نیز مجدداً در قانون درج گردید تا خلاء ناشی از فقدان آن پر گردد.

نکته قابل توجه در رابطه با مواد (۱۷۹) قانون مجازات عمومی و (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی و مقایسه آن با ماده (۳۲۴) قانون جزای فرانسه این است که، وفق ماده (۳۲۶) قانون جزای فرانسه، مجازات یک چنین قتلی حبس از یک تا پنج سال می‌باشد و به عبارت دیگر، قانونگذار فرانسه در این رابطه قابل به تخفیف مجازات گردیده نه معافیت از مجازات مرتکب؛ درحالی‌که با نظر به مادتين (۱۷۹) و (۶۳۰) مورد بحث، می‌توان دریافت که در ماده (۱۷۹) قانون مجازات عمومی، صراحتاً معافیت مرتکب جرم قتل پیش بینی گردیده بود و مرتکب

مذکور خواهیم رفت. همچنان که قبلاً نیز گفته شد، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حقوق عرفی منبع اقتباس و تدوین قوانین در کشور ما محسوب می‌گردید، بخصوص که در این راستا حقوق فرانسه سهم بسزایی را به خود اختصاص داده بود. با رجوع به قانون مجازات عمومی سابق،

**اگرچه ارتکاب زنا  
محصنه از جانب زن، وی  
را مهدورالدم نموده و  
کشتن وی بدین لحاظ مجاز  
می‌گردد، اما آیا در رابطه  
با مرد زانی نیز می‌توان  
قابل به چنین مکوه  
مبنایی گردید یا این‌که فیر،  
در نظر گرفتن چنین مبنایی  
چندان صمیم نبوده و  
نمی‌تواند پایه جواز قتل  
قرارگیرد؟**

می‌توان ماده (۱۷۹) این قانون را که در رابطه با موضوع مورد بحث تدوین گردیده بود ملاحظه کرد؛ این ماده مقرر می‌داشت:

«هر گاه شوهر زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا درحالی‌که به منزله وجود در یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یکی از آنها یا هر دو شود، معاف از مجازات است...».

مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در دوست و سی و دو ماده و چهل و چهار تبصره تصویب شد و به تاریخ ۱۳۷۵/۳/۶ نیز به تأیید شورای نگهبان رسید و پس از آن به مرحله اجرا درآمد.

از جمله موادی که در قوانین سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰، موجودیتی نداشت ولیکن در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵، تأسیس و به عبارتی احیا گردید، ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی می‌باشد؛ این ماده که بیانگر قتل همسر توسط شوهر در حال ارتکاب زنا می‌باشد، مباحث گسترده‌ای را میان حقوقدانان به وجود آورد و تفاسیر مختلفی نیز از آن به عمل آمد که باعث ایجاد رویه‌های متعددی در عمل گردید. ما در این مقوله ابتدائاً به سیر تطور ماده مذکور پرداخته و پس از آن به ذکر مبانی فقهی و حقوقی آن خواهیم پرداخت و نهایتاً با نقد و بررسی این ماده به طرح مسائل مرتبط با ماده (۶۳۰) می‌پردازیم.

**الف - سیر تطور ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی**  
ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

«هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده نماید و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد، فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند، حکم ضرب و جرح در این مورد مانند قتل است.»

ماده مذکور را قانونگذار در پی ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی در رابطه با جرایم علیه اشخاص عنوان نموده که ما در اینجا ابتدائاً به سیر تطور ماده فوق پرداخته و سپس با بیان قوانین و مقررات برخی دیگر از کشورها در این رابطه، به سراغ مبانی فقهی و حقوقی ماده

به نظر می‌رسد و سپس به بررسی مبنای حقوقی احتمالی مورد نظر پاره‌ای از حقوقدانان خواهیم پرداخت و نهایتاً مبنای مورد نظر نگارنده ذکر خواهیم کرد.

### بخش اول - مبنای فقهی

فقه‌های امامیه در بیان مبنای حکم مورد بحث دارای اختلاف نظر می‌باشند، اگر چه همگی آنها به جز دو تن از فقهای معاصر (۲) بالاتفاق فتوا به جواز قتل زن و مرد زناکار توسط شوهر داده‌اند؛ ولی، در مورد مبنای حکم دچار اختلاف نظر گردیده‌اند و هر یک مبنای خاصی را در این رابطه ذکر نموده‌اند که ذیلاً به بیان مختصری از آن خواهیم پرداخت. محقق حلی در کتاب "شرایع" در مسئله هفتم چنین می‌فرماید:

«اذا وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها فله قتلها و لا اثم علیه و فی الظاهر علیه القود، الا ان یاتی علی دعواه بینة او یتصدقه الولی».

یعنی: هرگاه مردی بباید زوجه خویش را درحالی که مردی با او زنا می‌کند، می‌تواند هر دوی آنها را به قتل برساند و به این واسطه مرتکب گناهی نگردیده، ولی از لحاظ حکم ظاهر قصاص بر او بار می‌گردد مگر این که بر ادعای خود (مبنی بر مشاهده زنا همسر خویش با مرد اجنبی) بینة اقامه کند و یا ولی دم حرف وی را تصدیق نماید (۳).

حکم مذکور را محقق حلی در باب قصاص بیان نموده و در رابطه با مبنای آن بر این عقیده است که، یکی از شرایط قصاص قاتل، محقون الدم بودن مقتول است. بنابراین اگر شخصی کسی را بکشد که مهدور الدم است و حفظ جان وی محترم نیست، قصاص نمی‌شود؛ به عبارتی دیگر، ایشان معتقدند که انجام عمل شنیع زنا از جانب همسر و مرد اجنبی، آنها را مهدور الدم نموده و لذا با توجه به این امر که حکم زنا محصنه رجم است،

## قانونگذار سابق ما در جهت حمایت از مجرمینی که به دلیل ارتکاب جرایم ناموسی از جانب همسرانشان مرتکب قتل گردیده بودند، با اقتباس از قانون مجزای فرانسه (قسمت افیر ماده ۳۲۴)، مبادرت به تصویب ماده (۱۷۹) قانون مجازات اسلامی کرده بود که عمر آن از نه سال تجاوز نکرد و در سال ۱۳۶۱ با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی از دایره قوانین کیفری ما حذف گردید

نامشروع زن با مرد اجنبی صورت گیرد، مرتکب آن به حداکثر سه سال حبس محکوم می‌گردد، و نیز وفق ماده (۴۰۹) قانون مجازات کشور عراق و همچنین ماده (۳۲۷) قانون مجازات کشور مصر، مجازات چنین قتلی به میزان قابل توجهی تقلیل پیدا می‌کند، نه‌این که به هیچ روی مجازاتی نسبت به مرتکب آن اعمال نگردد.

### ب: مبنای فقهی و حقوقی ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی

در خصوص این مسئله، که قانونگذار در رابطه با ماده (۶۳۰) ق.م.ا، چه مبنایی را در جهت معافیت مرتکب از مجازات در نظر گرفته؛ می‌توان از دو دیدگاه به این مسئله پرداخت که یکی از دیدگاه فقهی و دیگری از دیدگاه حقوقی یا عرفی می‌باشد، که در این مبحث ابتدائاً دیدگاه فقهی مسئله

در هر حال مبراً از مسئولیت کیفری محسوب می‌گردید؛ همین طور با نظر به منطوق ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی، می‌توان دریافت که با توجه به این که قانونگذار خود، صراحتاً اجازه قتل یا ضرب و جرح را به شوهر اعطا کرده، لذا به تبع آن، معافیت از مجازات مرتکب نیز لازم می‌آید و با توجه به این امر، شوهر در صورت قتل همسر خویش و مرد اجنبی به هر حال مبراً از مسئولیت کیفری خواهد بود.

با نظر به قوانین کیفری برخی دیگر از کشورها نیز می‌توان دریافت که آنها نیز در قوانین خود، همچون قوانین کیفری فرانسه برای مرتکب چنین قتلی، کیفر مخفّفه در نظر گرفته‌اند و به هیچ روی حکم به معافیت مطلق مرتکب از مجازات فعل ارتكابی را نداده‌اند و این امر ناشی از سیاست کیفری متخذه‌ای است که به واسطه آن، با در نظر گرفتن حداقل مجازات برای یک جرم مهم، از ارتکاب آن تا اندازه‌ای جلوگیری شود.

به عنوان مثال ماده (۴۱۳) قانون جزای بلژیک (مصوب سال ۱۸۷۶) در این رابطه مقرر داشته بود:

«قتل و ضرب و جرح ارتكابی از طرف یکی از زوجین، نسبت به دیگری و شریک وی در لحظه‌ای که آنها را در جرم مشهود زنا غافلگیر کند، قابل تخفیف مجازات خواهد بود».

به طوری که ملاحظه می‌شود، این ماده از قانون جزای بلژیک نیز اشاره به تخفیف مجازات مرتکب از جرم ارتكابی نموده و مرتکب را معاف از مجازات ندانسته و علاوه بر این، زن را نیز در صورت ارتكاب قتل همسر و شریک وی در حال ارتكاب زنا مستحق چنین تخفیفی دانسته (۱).

در قوانین کیفری کشور کویت نیز در صورتی که قتل به واسطه مشاهده رابطه

لذا ارتکاب قتل از جانب شوهر مباح تلقی شده و کیفری بر آن بار نمی‌گردد چرا که زن و مرد به واسطه ارتکاب زنا، دیگر محقون الدم نبوده بلکه مهدورالدم می‌باشند و قتل انسان مهدورالدم نیز مباح بوده و در خور کیفر نیست.

آنچه که در رابطه با نظر مذکور قابل ذکر می‌باشد آن است که، اگرچه ارتکاب زنا می‌محصنه از جانب زن، وی را مهدورالدم نموده و کشتن وی بدین لحاظ مباح می‌گردد، اما آیا در رابطه با مرد زانی نیز می‌توان قسایل به چنین حکم و مبنایی گردید یا این که خیر، در نظر گرفتن چنین مبنایی چندان صحیح نبوده و نمی‌تواند پایه جواز قتل قرار گیرد؟

آنچه که در این رابطه به نظر می‌رسد آن است که اگر مرد زانی نیز محصن باشد، کشتن وی نیز با توجه به مبنای مورد نظر محقق در شرایع، خالی از اشکال بوده و مرتکب قتل گناهی را مرتکب نگردیده و مجازاتی بر وی بار نخواهد گردید؛ اما، از طرف دیگر اگر مرد زانی محصن نباشد حکم به چنین فتوایی با توجه به این مبنا صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چرا که، در نظر گرفتن مبنای مهدورالدم بودن زانی در همه صور و موارد به نظر نگارنده قابل فرض نیست تا در صورت ارتکاب قتل از جانب شوهر، وی را به لحاظ مهدورالدم بودن زانی از قصاص نفس عفو نماییم. از طرفی دیگر، اجرای حد زانی محصنه باید به دستور حاکم و آن هم پس از اثبات آن نزد وی صورت گیرد و لذا اجرای حد، وسیله شوهر قبل از اثبات زنا نزد حاکم نمی‌تواند موافق و مطابق قواعد فقهی و حقوقی باشد. همچنین احراز شرایط احصان در مورد زن و مرد زانی در همه فروض آن قابل قبول نیست هر چند که هم زانی و هم زانیه محصن باشند.

عده‌ای دیگر از فقها همچون امام

خمینی (ره) خواسته‌اند در مورد این عمل، به آن حالت دفاع مشروع در مقابل تجاوز به عرض و ناموس بدهند و احیاناً این عمل را از مصادیق نهی از منکر و طریقه عملی بازداشتن از عمل نامشروع زنا بدانند؛ ولی، عده‌ای دیگر همچون شهیدین در "لعمه"، این حکم را در ملحقات احکام مربوط به زنا ذکر کرده‌اند و عمل شوهر را به عنوان اجرای حدود الهی تلقی و او را در این کار مجاز دانسته‌اند، هر چند که علی‌الاصول اجرای حد پس از ثبوت آن نزد حاکم شرع و به وسیله او باید صورت گیرد، ولی این مورد را به صورت استثنای خلاف اصل به وسیله شوهر، مجاز دانسته‌اند.<sup>(۴)</sup>

همچنان که ملاحظه می‌گردد، نظر فقها در رابطه با مبنای حکم مورد بحث مختلف و محل تردید است، چه آنکه در نظر گرفتن هر

**اجرای حد زانی محصنه باید به دستور حاکم و آن هم پس از اثبات آن نزد وی صورت گیرد و لذا اجرای حد، وسیله شوهر قبل از اثبات زنا نزد حاکم نمی‌تواند موافق و مطابق قواعد فقهی و حقوقی باشد. همچنین احراز شرایط احصان در مورد زن و مرد زانی در همه فروض آن قابل قبول نیست هر چند که هم زانی و هم زانیه محصن باشند**

یک از مبنای فوق در جهت توجیه حکم مسئله، نمی‌تواند در همه فروض ثابت و محقق باشد و لذا از لحاظ فقهی به این اعتبار که حکم موضوع به لحاظ وجود روایات معتبره، نزد فقها عنوان گردیده و عده‌ای همچون شهید ثانی ادعای اجماع بر آن نموده‌اند، مجری بوده و می‌توان گفت که جواز حکم بدون توجه به مبنای مورد نظر به هیچ وجه محل تردید نبوده و تنها از نظر مبناست که مورد تردید قرار می‌گیرد و نمی‌تواند اساس و مبنای نظر قطعی حکم در تمام صور قابل فرض باشد.

### بخش دوم - مبنای حقوقی و عرفی

در رابطه با مبنای حقوقی و عرفی حکم ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی، در جهت معافیت شوهر از مجازات، می‌توان به مبنای مورد نظر عده‌ای از حقوقدانان اشاره نمود، که ذیلاً به بیان آن می‌پردازیم.

بعضی از حقوقدانان در بیان مبنای معافیت از مجازات شوهر در ماده (۱۷۹) قانون مجازات عمومی، مبنای ذیل را در نظر گرفته و عنوان داشته‌اند که: «هر گاه شوهر در ابراز عکس العمل نسبت به مشاهده صحنه واقعه همسر خویش با مرد اجنبی تمالک و عنان اختیار خود را از دست بدهد، از معافیت برخوردار خواهد شد و معتقدند که در هر حال، مرد باید به واسطه از دست دادن موازنه عقلی و عنان اختیار مرتکب جرم شده باشد و لذا اگر شوهر سوء ظن برد و مجهز به اسلحه شود و مرتکب جرم گردد، از معافیت استفاده می‌کند ولی اگر یقین بر انحراف عیال خود داشته باشد و یا وانمود کند که می‌خواهد سفر کند و در این حال در موقع مشاهده صحنه جرم متجاوز را بکشد از معافیت استفاده نخواهد کرد؛ زیرا، در این فرض، عدم تسلط بر اعصاب و از دست دادن موازنه عقلی متفی است.»<sup>(۵)</sup>

بعضی دیگر از حقوقدانان نیز با در نظر گرفتن مبنای مذکور در فوق در رابطه با ماده (۱۷۹) عنوان داشته‌اند، که اگر «... مثلاً بشوهری که از رابطه نا مشروع زن خود با مرد اجنبی اطلاع حاصل نموده و با طرح و نقشه قبلی، وضع را طوری آماده نماید که زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش و یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده نماید و سپس با اسلحه‌ای که از قبل برای این کار آماده نموده است آنها را به قتل برساند، بدیهی است از معافیت مقرر در ماده (۱۷۹) استفاده نخواهد برد؛ زیرا، در اینجا باز به فلسفه معافیت مذکور برخورد می‌کنیم که صرفاً برای حالت عصبانیتی است که دفعه واحده به مرد دست می‌دهد که در این حالت، مخصوص در بزّه‌هایی که با سبق تصمیم انجام می‌شود، مصداق پیدا نمی‌کند...» (۶)

وفق مبنای در نظر گرفته شده در نظریات فوق، تنها زمانی می‌توانیم مرد را از مجازات معاف بدانیم که وی عنان اختیار را به واسطه مشاهده صحنه واقعه همسر خویش با مرد اجنبی از کف داده و مبادرت به قتل آنها نموده است و لذا اگر وی پس از مشاهده صحنه واقعه همسر خویش با مرد اجنبی دچار برانگیختگی و از دست دادن موازنه عقلی نگردد، به هیچ وجه حق کشتن آنها را نخواهد داشت؛ چرا که کاملاً بر اعصاب خویش مسلط بوده و در آن لحظه تمرکز فکری وی از هم نپاشیده و بر کلیه افعال خویش آگاهی داشته و نمی‌تواند آنها را به صرف مشاهده صحنه واقعه به قتل برساند؛ اما، اگر مشاهده صحنه واقعه به اندازه‌ای در او اثر نماید که به واسطه آن، عنان اختیار از کف دهد و قادر به کنترل خویش نباشد و اختیار اعمال خود را به کلی از دست بدهد و در این حالت مرتکب قتل گردد،

معاف از مجازات خواهد بود؛ چرا که در این حالت مرد دچار نوعی جنون آنی به واسطه ازدست دادن عقل خود گردیده و لذا هیچ کنترلی بر اعمال خویش نداشته و همچون مجانین مبادرت به قتل همسر خود و مرد اجنبی نموده است.

آنچه که در رابطه با مبنای مورد نظر در فوق قابل ذکر می‌باشد این است که، اولاً: تفکیک بین این دو معنا، یعنی ازدست دادن و از دست ندادن موازنه عقلی به واسطه مشاهده صحنه واقعه به هیچ روی موافق قاعده

هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده نماید، می‌تواند آنان را به قتل برساند. اعم از این‌که از وجود چنین رابطه‌ای قبلاً آگاه بوده و به انتظار نشسته تا آنها را در مین انجام واقعه به قتل برساند و یا این‌که به‌طور اتفاقی با چنین صحنه‌ای مواجه گردیده

نمی‌باشد؛ چرا که قانونگذار به هیچ وجه در مادیتین (۱۷۹) قانون مجازات عمومی و (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی، قایل به تفکیک این موارد نگردیده است تا در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح از جانب مرد، با توجه به این مبنای، میان مرتکبین آن قایل به تبعیض گردیم و لذا تفکیک دو مورد فوق، مخالف اصل تفسیر به نفع متهم می‌باشد و مع الوصف، در نظر گرفتن این مبنا نیز نمی‌تواند خالی از اشکال باشد؛

در صورتی که قایل به چنین تفکیکی گردیم در هر حال اثبات از دست دادن موازنه عقلی در هنگام ارتکاب عمل، علی‌الاصول غیرممکن به نظر می‌رسد و اشکالات فراوانی را در عمل به وجود خواهد آورد.

ثانیاً: در صورتی که بخواهیم مبنای تهییج و تحریک روحی مورد نظر این دسته از حقوقدانان را در رابطه با ماده (۶۳۰) ق.م.ا، نیز بپذیریم، در عمل دچار اشکالات فراوانی خواهیم شد؛ چرا که، در هر حال روابط نامشروع دیگری غیر از زنا نیز می‌تواند اسباب بروز تهییج و تحریک روانی مرد را فراهم آورده و عنان اختیار از کف او برباید و لذا در صورتی که چنین مبنایی مدنظر و مورد توجه قانونگذار می‌بود، می‌بایست روابط نامشروع دیگری همچون تفریح و یا قرار گرفتن در یک فراش و یا عریان در آغوش یکدیگر بودن را نیز در ماده (۶۳۰) ق.م.ا، ذکر می‌نمود؛ در حالی که جواز قتل و ضرب و جرح را منحصرأ به ارتکاب عمل نامشروع زنا اختصاص داده و متعرض سایر روابط نامشروع دیگر نشده است.

ثالثاً: در رابطه با زنا یا به عنف که در آن مردی در صدد تجاوز به زنی به عنف و اکراه بر می‌آید، در نظر گرفتن مبنای مزبور نمی‌تواند صادق باشد؛ چرا که در این حال (اکراه زن)، مورد مبادرت به دفاع از ناموس خویش و دفع متجاوز نموده و عنوان دفاع مشروع بر عمل وی صادق است و نه از دست دادن موازنه عقلی و عدم کنترل بر اعصاب؛ هر چند که در بدو امر ممکن است چنین به نظر برسد که در هر حال ماده (۶۳۰)، به‌طور کلی در غیر موارد عنف و اکراه نیز بر مبنای دفاع مشروع وضع گردیده، چرا که فردی که مبادرت به قتل یا ضرب و جرح مرد اجنبی و همسر خویش در حال زنا می‌نماید در واقع

نگریده و قابل تعقیب و مجازات نیز نمی‌باشد؛ اما، در رابطه با شق دیگر ماده (۶۳۰) که مقرر می‌دارد:

« در صورتی که زن مکره باشد، تنها مرد را می‌تواند به قتل برساند...»

قانونگذار؛ اشاره به دفاع از ناموس از طریق ارتکاب قتل و ضرب و جرح نظر به دفع متجاوز داشته و به مرد اجازه داده که بدون در نظر گرفتن قواعد مربوط به دفاع مشروع و عدم رعایت الاسهل فالاسهل، از طریق قتل یا ضرب و جرح مبادرت به دفع متجاوز نموده و از این طریق، از عرض و ناموس خود دفاع نماید که در هر حال در این شق از ماده نیز با یکی دیگر از علل موجهه جرم که دفاع مشروع می‌باشد مواجه هستیم.

با توجه به مراتب مذکور، به نظر می‌رسد که در نظر گرفتن علل موجهه در رابطه با ماده مورد بحث به عنسوان مبنای معافیت از مجازات، منطقی تر و قابل قبول تر بوده و از طرفی، مطابق با تفسیر به نفع متهم نیز می‌باشد و از مشکلاتی که با پذیرفتن مبانی مذکور دیگر قابل فرض می‌باشد بدین واسطه اثری نخواهد ماند و اجرای این ماده در عمل و اجرا از لحاظ مبنا دچار ایراد و اشکال نخواهد گردید.

#### پی نوشت:

- ۱- وزیری، ابوالفتح، معافیتهای قانونی و تحلیلی از ماده (۱۷۹) قانون مجازات عمومی، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۲، سال ۱۳۵۴، ص ۸۳.
- ۲- ر.ک. آیت‌الله منتظری، کتاب الحدود، صص ۱۲۷-۱۳۳ و آیت‌الله خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، صص ۸۷-۸۴.
- ۳- حلی، نجم‌الدین محقق، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ترجمه ابوالقاسم بن یزدی، ص ۹۴۰.
- ۴- دکتر مهرپور، حسین، سبیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی، فصلنامه دارالعلم مفید، قم، سال دوم، شماره ۴۰، سال ۱۳۷۷، ص ۷۵.
- ۵- دکتر علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۲، صص ۲۴۰-۲۳۹.
- ۶- دکتر صمدی، علی اشرف، مجله کانون وکلا، سال سیزدهم، شماره ۷۸، سال ۱۳۴۰، به نقل از دکتر حسین مهرپور، همان مأخذ، ص ۸۶.

مبادرت به صدور جواز قتل یا ضرب و جرح همسر و مرد اجنبی برای شوهر نموده و با توجه به این مراتب، می‌توان دریافت که هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده نماید، می‌تواند آنان را به قتل برساند، اعم از این که از وجود چنین رابطه‌ای قبلاً آگاه بوده و به انتظار نشسته تا آنها را در حین انجام واقعه به قتل برساند و یا این که به طور اتفاقی با چنین صحنه‌ای مواجه گردیده؛ چرا که اجازه قانونگذار عام بوده و صرف مشاهده زنا یا مرد اجنبی را از جانب شوهر، مجوز قتل و ضرب و جرح قرار داده و تفکیکی هم در این راستا قایل نگردیده است. و لذا باید توجه داشت که حکم و اجازه است که اسباب اباحه فعل را از جانب شوهر فراهم آورده و همسر و مرد اجنبی را در قبال شوهر مهدورالدم می‌نماید.

اما آنچه که باید در رابطه با ماده (۶۳۰) مورد توجه قرار داد، آن است که قانونگذار در این ماده دو معنا را از هم تفکیک نموده که در هر حال، در هر یک از آنها می‌توان به علل موجهه جرم استناد جست.

در صدر ماده، قانونگذار قتل همسر و مرد اجنبی را به صورت توأمان زمانی جایز دانسته که مرد علم به تمکین و مطاوعه همسر خویش در انجام رابطه نامشروع زنا با مرد اجنبی داشته باشد؛ و تنها در این حالت است که وی می‌تواند همسر خویش را به اتفاق مرد اجنبی به قتل برساند، در این شق از ماده مورد بحث، همان طور که محرز می‌باشد قانون، خود، حکم به قتل و ضرب و جرح همسر و مرد اجنبی را در صورت علم مرد به تمکین زن داده و لذا حکم قانون و اجازه مقنن در اینجا حکومت کرده و سبب معافیت مرد از مجازات مقرر می‌گردد؛ چرا که به واسطه حکم قانون عمل شوهر در این راستا به هیچ وجه جرم تلقی

مبادرت به دفاع از عرض و آبروی خویش در قبال خطر در حال وقوعی نموده که عرض و آبروی وی را در معرض خطر قرار داده و لذا عمل وی عنوان دفاع مشروع از عرض و آبرو داشته و نه چیز دیگر؛ درحالی که به نظر می‌رسد، پذیرفتن این مطلب نیز نتواند چندان صحیح و منطقی باشد؛ چرا که در صورتی که مقصود مقنن بر این امر تعلق گرفته بود، باید خواهر، مادر و دختر را نیز مشمول حکم ماده قرار می‌داد، زیرا در هر حال ارتکاب زنا از جانب این دسته از وابستگان نیز (در غیر حالت عنف و اکراه) عرض و آبروی مرد را در معرض خطر قرار می‌دهد، درحالی که مقنن، این ماده را تنها شامل زوجه دانسته نه کس دیگر؛ از طرف دیگر، سایر اعمال منافی غیر از زنا نیز می‌تواند عرض و آبرو را در معرض خطر قرار دهد درحالی که قانونگذار فقط در این ماده به زنا اشاره نموده است.

#### بخش سوم - مبنای علل موجهه در رابطه با معافیت مرتکب در ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی:

همان طور که می‌دانیم، یکی از علل موجهه جرم، حکم قانون و اجازه قانونگذار در رابطه با ارتکاب فعلی است که در صورتی که قانونگذار مبادرت به بیان این حکم نمی‌نمود، فعل مزبور جرم تلقی می‌گردید و قابل تعقیب و مجازات بود و لذا حکم قانون در این رابطه را مباح نموده و ارتکاب آن به هیچ وجه جرم تلقی نمی‌گردد تا مرتکب آن قابل تعقیب و مجازات نباشد. - در رابطه با ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی نیز، نظر نگارنده این است که مبنای معافیت مرتکب از مجازات، حکم قانون و اجازه مقنن در ارتکاب قتل و ضرب و جرح از جانب شوهر می‌باشد، زیرا خود مقنن با بیان عبارت «... می‌تواند آنها را به قتل برساند»،